

به مناسبت هفته کتاب

چند پاتوق کتابی در برخی نقاط کشور را به شما معرفی کرده‌ایم

یک فنجان کتاب!

هفته کتاب، هفته کتاب است. عجب جمله قصاری نوشتیم در همین ابتدا، به قول معروف «از کرامات شیخ ما این است، شیرۀ را خورد و گفت شیرین است» به همین خاطر این که بگوییم هفته کتاب هفته کتاب است مانند این است که آفتاب در سینه آسمان باشد بگوییم هوا آفتابی است! ولی هفته کتاب مساوی است با هفته توجه بیشتر به کتاب‌ها و خب اگر کتابفروشی را از این توجه حذف کنیم، اثری از کتاب‌ها نمی‌ماند. چون کتاب‌ها با ویتترین کتابفروشی‌ها هستند که هویت پیدا می‌کنند و اگر این مغازه‌های دوست‌داشتنی نباشند کتاب‌ها تکلیفشان روشن نمی‌شود و این که چطور به دست مخاطبان برسند هم در هاله‌ای از ابهام فرو می‌رود.

یعنی این کتابفروشی‌ها هستند که بین مخاطب و ناشر (اعم از مولف و مترجم و...) ارتباط برقرار می‌کنند و اگر نباشند این مغازه‌های دوست‌داشتنی حتما کتاب‌ها در غربت خودشان می‌مانند و کسی یادی از آنها نمی‌کند. هر چند برخی فکر می‌کنند بدون کتابفروشی‌ها هم می‌توانند باشند، ولی نمی‌دانند اگر نباشند کتابفروشی‌ها و اگر نباشند کتابفروش‌ها! روشن نیست چه کسی و کجا قرار است نقش این حلقه در زنجیره نشر را بازی کند! کتابفروش‌هایی که با عشق کتاب معرفی می‌کنند و با حوصله مشتری به انتخاب درست هدایت و راهنمایی می‌کنند.

به این مناسبت می‌خواهیم چند پاتوق کتابی در چند نقطه کشور را برایتان معرفی کنیم که اگر گذرتان به آن حوالی افتاد، سری هم به آنجا بزنید و قدری در هوای کتاب‌ها نفس بکشید. خدا را چه دیدید شاید از شماره‌های بعدی پای حرف‌های کتابفروش‌ها نشنستیم و خواستیم خودشان راوی باشند تا بیشتر با آنها آشنا شویم! فعلا در این شماره به چند کتابفروشی در تهران، مشهد، شیراز و... سری می‌زنیم تا بعد از این ببینیم خدا برایمان چه رقم می‌زند!

کتاب اسم

اگر تهرانی باشید و اهل گشت و گذار در کتابفروشی‌های راسته انقلاب احتمالا با کتابفروشی «کتاب اسم» هم روبه‌رو شده‌اید. محیطی بزرگ و سرشار از کتاب که چشم‌هر بیننده‌ای را به خود جذب می‌کند. محیطی که می‌توانی ساعت‌ها یک گوشه بنشینی و در میان هیاهوی فروشگاه بزرگ کتاب اسم برای خودت کتاب بخوانی و میان کتاب‌ها مقایسه کنی و در نهایت دست خالی یا پر از فروشگاه خارج شوی! البته اگر مشتری‌های پرانرژی این کتابفروشی بگذرانند که شما دمی بیاسایید و کتابی را توریق کنید. صندلی‌های چرمی کوچکی که لابه‌لای قفسه‌ها قرار داده شده این فرصت را برای مشتریان فراهم کرده که هر جا کتابی چشمشان را گرفت روی یکی از آنها بنشینند و با خیال آسوده ورق بزنند! البته این فروشگاه آن قدر بزرگ هست که فقط برای کتاب‌بازها پیشنهاد نداشته باشد، مثلا اگر اهل بازی‌های تخته‌ای باشید می‌توانید در بخش بازی‌ها هم سرگرم شوید

کیهان

کتابفروشی رفتن مثل بقالی رفتن است. نه این‌که دقیقا مثل هم باشند، ولی یک جورهایی مثل همنند. مثلا از شما می‌پرسند چرا از عباس آقا خرید نمی‌کنی؟ می‌گویید عباس آقا عصبی مزاج است و با یک من عسل هم نمی‌شود خوردش؟ ولی به جاش کاظم سوپری خوش اخلاق است و با حوصله جواب می‌دهد.

حکایت کتابفروشی و کتابفروش هم چیزی شبیه به این است که اگر یک کتابفروش ولو جنس اش جور باشد، ولی اخلاقش خوب نباشد مشتری را می‌پراند و تمام! کتابفروشی کیهان از آن کتابفروشی‌هایی است که کتابفروش‌هایش حال شما را برای خریدن

کتاب عوض می‌کنند و گاهی حتی اگر با شما هم‌نظر نباشند به حرف‌هایتان گوش می‌دهند تا شما حسابی تخلیه شوید. میز کوچک وسط فروشگاه و قفسه‌های نسبتا پر و پیمان فروشگاه هم کمک می‌کند که شما انتخاب‌های متفاوتی هم داشته باشید و بتوانید همان‌جا انتخاب کنید و این فرصت خوبی است در روزگاری که همه می‌خواهند تکلیف را یکسره کنند! البته اینجا خبری از چای و دم‌نوش نیست مگر این‌که همان رفقای کتابفروش مرحمتی کنند. در راسته مقابل در اصلی دانشگاه تهران دنبال کیهان بگردید.

کتاب آفتاب

مشهد با حرم امام رضا(ع) گره عمیق و محکمی خورده و همین که نام این شهر به گوش می‌رسد بی‌درنگ گنبد بلند و طلایی حرم امام هشتم در ذهن مجسم می‌شود. به همین دلیل اغلب ما مشهد رفتن مساوی با زیارت رفتن است در غیر این صورت کار دیگری نداریم بخواهیم به مشهد برویم. حالا که برای زیارت به مشهد آمده‌اید بدنیست توصیه کنم دو محیط فرهنگی را حتما تجربه کنید. یکی را به تفصیل توضیح می‌دهم و دیگری را به اجمال. چون اول کتابفروشی است و دومی کتابفروشی نیست. پس اول دومی را معرفی می‌کنم تا بعد اولی را مبسوط معرفی کنم. سینما هویزه یکی از آن محیط‌هایی است که به‌نظرم بد نیست یک مرتبه تجربه کنید. سینمایی متفاوت که اگر اهل فیلم و سینما باشید حتما چشم‌هایتان را خیره خواهد کرد.

اگر از مخاطبان رضا امیرخانی هستید و «جانستان کابلستان» او را مطالعه کرده‌اید حتما با نام «قدسی» در کتاب روبه‌رو شده‌اید. باز هم اگر از مخاطبان رضا امیرخانی هستید و کتاب «سرلوحه‌ها»ی او را خوانده‌اید حتما می‌دانید که ناشر این کتاب «سپیده‌باوران» است. حالا خیال‌تان را راحت کنم که «کافه کتاب آفتاب» متعلق به همان آقای قدسی است که مدیر نشر سپیده‌باوران هم هست! توصیه می‌کنم حتما کتابفروشی کتاب آفتاب را تجربه کنید. قفسه‌هایی مملو از کتاب در فضایی آرام که می‌توان هم کتاب خواند و هم از فضای کافه آن برای نوشیدن یک دم‌نوش «ماسالا» استفاده کنید. ضمنا هم‌صحبتی و هم‌نفسی با خانواده قدسی‌ها را نیز از دست ندهید. داشت یادم می‌رفت بگویم که کافه کتاب آفتاب در چهارراه دکترا، بازار کتاب گلستان واقع شده است.

بچه‌های کتاب

پاتوق می‌گوییم و پاتوق می‌شنوید. اصلا باور کردنی نیست. کافی است اگر گذرتان به شیراز افتاد حوالی خیابان ملاصدرا بروید و همان ابتدای خیابان معدل از رهگذران درباره فروشگاه «بچه‌های کتاب» پرسید تا شما را به یک کتابفروشی شیرازی راهنمایی کنند. محیطی که پاتوق بودن آن پررنگ است و اگر اهل نشستن باشید حتما بچه‌های کتاب پیشنهاد هیجان‌انگیزی است. محیطی دوستانه و باصفا که می‌تواند برای یک استراحت کوتاه جهت ادامه گردش در شیراز هم توصیه شود. این کتابفروشی با حضور کتابفروشانش هویت دیگری پیدا می‌کند زیرا به‌شدت کتاب‌باز و اهل مطالعه‌اند و همین می‌تواند کمک کند که مخاطب در این محیط احساس امنیت و آرامش پیدا کند.

بچه‌های کتاب شیراز از آن خانه. کتابفروشی‌هایی است که با همت افراد کتاب‌باز راه‌اندازی شده و طرح‌های مناسبی و تخفیفی در کنار ایده‌های ترویجی آنها می‌تواند مدتی هم مخاطبی را سرگرم کند. 



می‌خواهیم چند پاتوق کتابی در چند نقطه کشور را برایتان معرفی کنیم که اگر گذرتان به آن حوالی افتاد، سری هم به آنجا بزنید و قدری در هوای کتاب‌ها نفس بکشید